

Received: 2024/12/17

Accepted: 2025/2/7

from 45 to 62

Mohammad Molavi

Associate Professor of Quran and Hadith Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. (Corresponding Author)
molavi@isr.ikiu.ac.ir

Amir Jabbari

Master's student of Quran and Hadith, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
amirjabbari1478@gmail.com

Mohammad Sobhan

Maheri Qomi

Master of Quran and Hadith, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
orvatolvosgha110110@yahoo.com

Keywords:

Divine Education, Prophet Noah (pbuh), Educational Principles, Educational Methods, Quranic Education.

Recognizing Divine Educational Patterns in the Story of Prophet Noah (pbuh)

Abstract

Education and its methods are one of the most challenging issues in the contemporary era and have different dimensions that not knowing or not using them correctly will have many unfortunate consequences of belief and behavior. In the teachings of revelation, the principles, foundations and methods of human education have been discussed on various occasions. This research, with a descriptive-analytical method and with complete induction of the verses related to the story of Noah (pbuh) and the analysis of traditions, aims to analyze the training methods of Prophet Noah (pbuh) by God as a divine educational model. The results show that the story of Noah (pbuh) has been repeated more than 40 times in 28 surahs of the Holy Quran. God has used various methods for the exaltation and spiritual development of His Prophet, such as the educational method of loving and honoring, the educational method of preaching, the educational method of encouragement, all-round support with unseen assistance, telling instructive incidents in order to strengthen morale.

چکیده

تربیت و روش‌های آن یکی از پرچالش‌ترین مسائل در دوران معاصر است و ابعاد مختلفی دارد که ندانستن یا به‌کار نداشتن آن‌ها پیامدهای اعتقادی و رفتاری ناگوار بسیاری به‌دنبال خواهد داشت. در آموزه‌های وحیانی نیز، به مناسبت‌های گوناگون به اصول، مبانی و روش‌های تربیتی انسان پرداخته شده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استقرای کامل آیات مرتبط با داستان حضرت نوح^(ع) و بررسی روایات، بر آن است تا به تحلیل روش‌های تربیتی حضرت نوح^(ع) از سوی خداوند، به‌عنوان الگوی تربیتی الهی بپردازد. نتایج نشان می‌دهد، داستان نوح^(ع) در ۲۸ سوره از قرآن کریم، بیش از ۴۰ بار تکرار شده است. خداوند برای تعالی و تکامل پیامبرش، از روش‌های مختلفی همچون روش تربیتی محبت‌ورزی و تکریم، روش تربیتی موعظه، روش تربیتی تشویق، پشتیبانی همه‌جانبه با امدادهای غیبی و بیان حوادث عبرت‌آموز برای تقویت روحیه استفاده کرده است.

محمد مولوی

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث،
دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ع)،
قزوین، ایران. (نویسنده مسئول)
molavi@isr.ikiu.ac.ir

امیر جباری

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن
و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام
خمینی^(ع)، قزوین، ایران.
amirjabari1478@gmail.com

محمد سبحان ماهری قمی

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث،
دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ع)،
قزوین، ایران.
orvatolvosgha110110@yahoo.com

واژگان کلیدی:

تربیت الهی، حضرت نوح^(ع)، اصول
تربیتی، روش‌های تربیتی، تربیت
قرآنی.

۱- بیان مسئله

تربیت انسان بر اساس آموزه‌های وحیانی مهم‌ترین و بنیادی‌ترین هدف بعثت پیامبران است. انسان‌ها استعدادها و ظرفیت‌های مختلفی دارند؛ به همین سبب، بر عهده‌ی مری است که در گزینش روش‌های صحیح تربیت، کمال دقت را داشته باشد و از روش‌هایی استفاده کند که منطبق با شرایط، استعدادها و ظرفیت‌های هر فرد است. در این میان، انبیای الهی، به‌عنوان کامل‌ترین انسان‌ها، از این امر مستثنا نیستند و همواره نیازمند تربیت، تعالی، مراقبت و محافظت در تنگنای زندگی هستند. خداوند در قرآن، در موارد فراوانی، به مناسبت‌های مختلف به این توجه همیشگی خود به تعالی انبیا و تربیت آنان اشاره کرده است؛ برای نمونه، خداوند درباره‌ی حضرت یوسف می‌فرماید: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (یوسف: ۲۲) و از توجه ویژه‌ی خود به پیامبر اکرم (ص) چنین یاد می‌کند: «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى» (الضحی: ۶)؛ «وَأَنْ يَرِيدُوا أَنْ يَخَادَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتِيكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ» (الأنفال: ۶۲) و داستان پشتیبانی خود از حضرت لوط را چنین توصیف می‌نماید: «وَلَوْطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوِيًّا فَاسِقِينَ» (الأنبياء: ۷۴).

ازجمله‌ی این پیامبران که تحت تربیت خاص خداوند بوده - و مسئله‌ی پژوهش پیش‌رو نیز هست - حضرت نوح است که نامش در قرآن کریم ۴۳ مرتبه در ۲۱ سوره و ۱۱۴ آیه ذکر شده است. او از نوادگان حضرت ادریس (ع) (راوندی، ۱۴۰۹، ص ۸۳)، اولین پیامبر پس از وی (مسعودی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲) و همچنین اولین پیامبر اولوالعزم و صاحب شریعت است (الشوری: ۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۳۵۳). شریعت به معنای مجموعه‌ی بایدها و نبایدها و احکام فقهی است که با حضرت نوح (ع) آغاز شده و با پیامبر خاتم (ص) به کمال نهایی خود رسیده است. بنا بر مستندات تاریخی، وی در هنگام بعثت خود، حدود چهارصد سال سن داشته و در حرفه‌ی نجاری مشغول فعالیت بوده و نام اصلی او «عبدالغفار» بوده است (ابن کثیر، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۵۶). مرکز بعثت آن حضرت در شامات، عراق و فلسطین بوده و او را فردی تنومند، استوار و گندمگون با محاسنی بلند توصیف می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۸۰؛ ابن قتیبه دینوری، بی‌تا، ص ۲۱) و بدان سبب که فراوان بر حال خود گریه و نوحه می‌کرد، او را «نوح» نامیدند (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸).

مردم عصر حضرت نوح غرق در خرافات، بت‌پرستی و فساد بودند، در حفظ عادات باطل خود پافشاری داشتند. این لجاجت بدان حد رسیده بود که گاهی برخی از مردم حضرت نوح را به فرزندان خود نشان می‌دادند و می‌گفتند: اگر پس از من زنده بودی، از این مرد دیوانه پیروی مکن (شریف کاشانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۴۰). مشابه نقل بالا، دیدگاه قتاده در توصیف دوران حضرت نوح است که بیان می‌دارد: «بعضی از مردان آن‌ها پسرش را نزد نوح برده و به او می‌گفت: پسر! از این مرد دوری کن و بت‌رس، مبادا که تو را فریب دهد، پدرم مرا که مانند تو جوانی بودم، پیش این آورده و همین‌طور که من تو را از او حذر می‌دهم، پدرم هم مرا از وی حذر می‌داد» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹، ص ۱۱۴). قرآن کریم نیز رفتار و برخورد آنان با حضرت را چنین توصیف می‌کند: «وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا

اَشْتِكْبَارًا» (نوح: ۷). در این آیه، قرار دادن انگشتان در گوش، استتار گوش با لباس، لجاجت در کفر و غرور و خودخواهی به عنوان بازخورد قوم حضرت نوح بیان شده است. حضرت نوح برای تربیت چنین قومی، نیازمند روحی بلند و متعالی و تربیتی الهی بود که بتواند این قوم لجوج را هدایت کند؛ بنابراین، گام اول تربیت الهی حضرت نوح از سوی خداوند است که در نتیجه‌ی این تربیت الهی بتواند چنان قوم لجوج و سرکشی را هدایت کند؛ بنابراین، این نوشتار بر آن است تا با استقرای کامل آیات قرآن کریم، احادیث معتبر و با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای، به بررسی روش‌های تربیتی حضرت نوح^(ع) از سوی خداوند بپردازد. در واقع، پرسش اصلی این است که خداوند متعال چگونه و از چه روش‌هایی حضرت نوح، به عنوان اولین پیامبر اولوالعزم و صاحب شریعت، را تربیت کرده است؟ برای این منظور، ابتدا اصلی‌ترین روش‌های مرسوم تربیتی در قرآن را بررسی می‌شود و سپس با گونه‌شناسی این روش‌ها در تربیت حضرت نوح، کاربرد آن مشخص می‌گردد.

۲- پیشینه‌ی تحقیق

ذیل آیات قرآن در تفاسیر گوناگون، به مناسبت‌های مختلف، درباره‌ی مسئله‌ی پژوهش مطالبی آمده است؛ اما پژوهشی یافت نشد که به‌طور مستقل، به بررسی ژرف‌کاوانه‌ی همه‌ی آیات و روایات مرتبط با روش‌های تربیتی حضرت نوح^(ع) از سوی خداوند پرداخته باشد. در ادامه، برخی از آثاری که به‌طور کلی با پژوهش مدنظر مرتبط باشد، ارائه می‌شود:

کتاب نگاهی به زندگی انبیاء در قرآن عباس قدیانی (۱۳۹۱). در این کتاب شرح‌حال کوتاهی از زندگانی حضرت نوح^(ع) با توجه به آیات قرآن کریم ارائه می‌گردد؛ اما نویسنده روش‌های تربیت خداوند نسبت به حضرت نوح^(ع) را بیان نکرده است.

مقاله‌ی «بررسی شیوه‌های تبلیغی حضرت نوح بر اساس نگرش قرآن کریم» مصطفی احمدی مقدم و همکاران (۱۳۹۵ ش). در این مقاله، شیوه‌ها و راهبردهای تبلیغی حضرت نوح^(ع) نسبت به عموم جامعه با استناد به قرآن کریم تبیین شده است، بدون آنکه درباره‌ی روش‌های تربیتی الهی نسبت به حضرت نوح^(ع) سخنی به میان آورده باشد.

مجموعه کتاب سیره‌ی تربیتی پیامبران، دفتر سوم: حضرت نوح محمدرضا عابدینی (۱۳۹۸). این مجموعه در قالب چند دفتر، به سیره‌ی گفتاری و عملی پیامبران و ازجمله حضرت نوح^(ع) پرداخته است. دفتر سوم این اثر با وجود آنکه در نوع خود، کتابی کامل و زوایای گوناگون زندگی حضرت نوح^(ع) را مورد مذاقه قرار داده است؛ اما الگوی تربیتی مشخصی در آن تبیین نشده است که ناظر به روش تربیت الهی نوح^(ع) باشد و بیشتر روش‌های تربیتی حضرت نوح^(ع) نسبت به قوم جاهل و لجوج او را به تصویر می‌کشد.

محمدرضا شیری و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ی «الگوی مدیریتی حضرت نوح^(ع)»، به تدوین روش‌های مدیریتی حضرت نوح پرداخته‌اند و این مقاله ارتباطی با تربیت الهی حضرت نوح ندارد

که مسئله‌ی پژوهش حاضر است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این آثار نزدیک‌ترین نگاه‌ها به مسئله‌ی پژوهش است؛ اما هیچ‌کدام به‌صورت مستقل و مسئله‌محور، روش‌های تربیتی خداوند نسبت به حضرت نوح را نکاویده است؛ بنابراین، تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین در این است که پژوهش حاضر به‌طور مستقل «روش‌های تربیتی خداوند نسبت به حضرت نوح»^(۷) بر اساس قرآن کریم را کاویده است، نه روش‌های خود حضرت در تربیت جامعه و قومش؛ ازاین‌رو، نویسنده معتقد است، احصای روش‌های تربیتی الهی حضرت نوح^(۷) در قرآن و سنت، افق تازه‌ای درباره‌ی مباحث تربیتی در قرآن و حدیث می‌گشاید که راهگشای ره‌پویان است و به‌عنوان الگوهای تربیتی مورد‌استفاده‌ی مریبان و دغدغه‌مندان، به‌ویژه والدین در تربیت فرزندان واقع خواهد شد.

۳- مفهوم تربیت و روش

«تربیت» از نظر لغت‌شناسانی همچون ابن‌فارس، بر اصل واحدی دلالت دارد و از ریشه‌ی «ر بی» به معنای «الزَّیَّادَة»، «النَّماء» و «العُلُو» است (ابن‌فارس، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۸۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۱۲۶). این ریشه اشتقاقات مختلف و به‌دنبال آن، معانی متعددی نظیر «رَبَو» نفس عمیق، «رَبَوَه» و «رَبَوَه» و «رَبَايَة» سرزمین مرتفع و بلند (فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۶۴۹؛ ابن‌فارس، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۸۳) دارد؛ اما راغب ریشه‌ی آن را از «ر ب ب» در اصل به معنای تربیت و پرورش تدریجی می‌داند که به معنای ایجاد حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا رسیدن به حد نهایی و تام خود است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۱۸۴). در اصطلاح نیز عبارت است از «رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهاى انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۲۴). از نظر ریشه‌شناسی، کلمه‌ای عربی است و به لحاظ اصطلاح‌شناسی، واژه‌ای فارسی در میان دانشمندان ایرانی و ادیبان با کاربردی فراوان است (غزالی، بی‌تا، ص ۶۱). به‌نظر می‌رسد، این اصطلاح تا قرن پنجم هجری، در زبان متعارف به‌کار نرفته است (توسلی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۵) و نویسندگان تحت تأثیر احادیثی همچون کلام امام علی^(ع)، «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَحْسَنَ أَدَبَهُ وَ يَعْلَمَهُ الْقُرْآنَ» (سید رضی، ۱۳۴۴، ج ۳۳۹) و سخنان بزرگان دین، به‌جای استفاده از اصطلاح «تربیت»، از «تأدیب» بهره می‌بردند؛ همچنین در آثاری مانند قابوس‌نامه اثر عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر (۱۳۷۸، ص ۱۳۵) و رساله قشیریه اثر ابوالقاسم قشیری (۱۳۴۵، ص ۱۴۸) که در نیمه‌ی اول قرن پنجم نگارش یافته است، از واژه‌ی «ادب» و مشتقات آن بهره برده است و در آن، «تربیت» به چشم نمی‌خورد. در اواخر قرن پنجم، امام محمد غزالی واژه‌ی «تربیت» را در کتاب احیاء علوم الدین به معنای اصطلاحی امروزه به‌کار برد و در قرن‌های بعد، به همین صورت متداول شد (غزالی، بی‌تا، ص ۶۶). در آثاری همچون اخلاق ناصری (طوسی، بی‌تا، ص ۱۸۳)، مثنوی معنوی (مولوی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۵۶۵)، دیوان حافظ (شمس‌الدین محمد، ۱۳۷۴، ص ۴۸) و گلستان (سعدی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۴)، این اصطلاح به معنای امروزی خود به‌کاررفته است. معنا و مفهوم «تربیت» از ابتدا تاکنون به‌طور تقریبی ثابت مانده است و بر پاک شدن از خُلُق ناپسند (غزالی، ۱۳۶۲، ص ۸۷)، ایجاد کمالات عقلایی توسط مربی

(سعدی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۱) و وصول ارزش‌های متعالی انسانی (نقیب‌زاده، ۱۳۷۵، ص ۱۸) دلالت دارد. «تربیت» در اصطلاح قرآنی نیز عبارت است از: رشد و نمو یا فراهم کردن زمینه‌ی شکوفایی استعدادها (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸). در تعریفی دیگر نیز، «تربیت» را رفع موانع و ایجاد اقتضائات برای متمر ثمر واقع شدن استعدادهای انسان بیان می‌کنند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۲). «روش» در معنای لغوی به معنای راه رفتن و درگذشتن است (خلف تبریزی، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۹۷۶). مؤلف کتاب فرهنگ فارسی، آن را به معنای «عمل به رفتن، طرز و رسم» می‌داند (معین، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۶۹۰). حاصل آنکه مفهوم لغوی روش مترادف با مفهوم «رفتن» است. در معنای اصطلاحی، «روش» فرایندی عقلانی است که برای نیل به دانش و اخذ نتیجه انجام می‌گیرد (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۴، ص ۲۴۱). واسطی معتقد است که به «سلسله فعالیت‌هایی که منجر به تغییر شود»، روش اطلاق می‌گردد (واسطی، ۱۳۸۲، ص ۵۴). به نظر می‌رسد، در فرایند پژوهش و تحقیق، روش همان گردآوری و تحلیل داده‌ها (ساراناکوس، ۱۹۹۳، ص ۳۴)، یا راهی که محقق در مسیر علمی خود طی می‌کند (شریفی، ۱۳۹۵، ص ۳۴)، یا مجموعه تدابیری است که با بهره‌وری از امکانات برای وصول به هدف صورت می‌پذیرد (زرکش، بی‌تا، ص ۲). درنهایت می‌توان گفت، روش تربیت سلسله فعالیت‌های هدفمند و هوشمندانه‌ای است که مربی برای تعالی و به کمال رساندن متربی خود انجام می‌دهد.

۴- روش‌های تربیتی

در این بخش از پژوهش، نگاهی گذرا به اصلی‌ترین روش‌های مرسوم تربیتی در قرآن می‌پردازیم؛ سپس آیات ناظر به تربیت الهی حضرت نوح^(ع) را بررسی خواهیم کرد. بررسی آیات نشان می‌دهد، تربیت از طریق سه روش صریح، کنایه‌ی و اصلاحی صورت می‌پذیرد و هریک اقسامی دارد که به اختصار اشاره خواهد شد.

۴-۱- روش‌های تربیتی صریح

منظور از روش تربیتی صریح استبداد و طرد نیست، بلکه هدف از آن اقتدار در اصول تربیت است و درعین‌حال، متربی نیز محدود نمی‌شود و استقلال وی خدشه‌دار نخواهد شد. در این روش، نتایجی همچون اظهارنظر بی‌پرده‌ی مربی و متربی، ارتباط کلامی وسیع در قالب‌های گرم و صمیمی اما خردمندانه، الگوپذیری و ایجاد انگیزه انتظار می‌رود (شریعتمداری، ۱۳۷۷، ص ۲۱۲-۲۱۵). در این روش، مربی ممکن است روش‌های متنوعی را به کار ببرد که گاه ذیل روش‌های اصلاحی نیز به‌شمار می‌آیند؛ برای نمونه، روش‌هایی همچون الگوبرداری، محبت‌ورزی، موعظه و خیرخواهی، تشویق و تنبیه می‌تواند در هر دو روش صریح و اصلاحی به کار رود؛ اما نوع بهره‌برداری از آن از سوی مربی می‌تواند متفاوت باشد به‌عنوان مثال، در قرآن کریم الگوهای متعددی به‌صورت صریح بیان شده است؛ برای نمونه، همسر فرعون و حضرت مریم به‌عنوان الگو برای همه‌ی مؤمنان (التحریم: ۱۲-۱۱)، اصحاب کهف به‌عنوان الگو برای حفظ ایمان و لو با دست شستن از همه‌ی

دارایی‌هایشان (الک‌هف: ۲۹-۲۶)، ساحران فرعون به‌عنوان نماد حق‌پذیری (الشعراء: ۴۶-۳۸)، یوسف نماد پاک‌دامنی (یوسف: ۲۱-۵۶)، اسماعیل‌الگوی تسلیم در برابر مشیت الهی (ابراهیم: ۳۱-۴۵) و ایوب اسوه‌ی صبر و شکیبایی (النساء: ۱۶۳) وصف شدند و خداوند متعال در جای‌جای قرآن، مؤمنان را به پیروی از آنان سفارش کرده است (الأنعام: ۹۰). پند و موعظه دادن نیز در تربیت صریح از اهمیت بالایی در آموزه‌های دینی برخوردار است تا جایی که قرآن خود از آن به‌صورت آشکارا نام برده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (النحل: ۱۲۵). پیامبر نور و رحمت نیز فرموده‌اند: «الَّذِينَ النَّصِيحَةُ»؛ «دین سراسر نصیحت و خیرخواهی است» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۸۴). با عنایت به ابعاد مختلف هدایتی نصیحت و بنا بر سرشت انسان که سخن نرم را بهتر از بیان درشت می‌پذیرد، بهره‌مندی از روش بالا نقش بسزایی در کمال و رشد متربی ایفا خواهد کرد. بشارت و انذار یا همان تشویق و تنبیه از دیگر جلوه‌های صریح هدایتی و تربیتی در قرآن است. بیش از ۱۲۰ مرتبه انذار و ۸۰ مرتبه بشارت در قرآن به‌کاررفته است که نشان از اهمیت تربیتی این روش دارد. روشن است که روش‌های تربیتی صریح در قرآن فراوان هستند؛ اما در اینجا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شد که با مسئله‌ی پژوهش نیز مرتبط‌اند.

۲-۴- روش‌های تربیتی کنایی

در این روش، مربی به‌صورت مستقیم گزاره‌های تربیتی را بیان نمی‌کند، بلکه آموزه‌های تربیتی به شکل غیرمستقیم منتقل می‌شود. استفاده از روش کنایی یکی از روش‌های تربیتی و هدایتی قرآن در اشکال گوناگون به‌ویژه در امور جنسی است که ریشه در صفت ستاریت خداوند دارد و پرهیز از صراحت‌گویی در این مسائل از آثار اخلاقی و تربیتی نزاهت بیانی قرآن است (صدرآبادی و همکاران، ۱۴۰۲، ش ۴۶، ص ۵۸-۲۹). آیات فراوانی در قرآن این مدعا را ثابت می‌کند (البقره: ۱۸۷، ۲۲۲، ۲۳۶، ۲۳۷؛ آل‌عمران: ۴۷؛ النساء: ۴۳؛ الأعراف: ۲۰، ۲۲، ۲۷؛ المائده: ۶، ۳۱؛ مریم: ۲۰؛ طه: ۱۲۱؛ الأحزاب: ۴۹؛ المجادله: ۳، ۴). همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، لزوماً بهره‌گیری از روش کنایی در مسائل جنسی در قرآن و روایات به‌کار نرفته، بلکه به اشکال گوناگون موردتوجه قرار گرفته است. گاهی بهره‌گیری از این روش در قالب بیان حوادث عبرت‌آموز گذشتگان است و از این راه، مخاطب را نه به‌صورت مستقیم، بلکه به‌صورت کنایه‌ای هدایت می‌کند تا به مقصد برسد. قرآن کریم از این روش در آیات خود به‌عنوان یک اصل تربیتی استفاده کرده و هدف از آن را تفکر عموم افراد در علل نابودی و سعادت اقوام گذشته بیان نموده است (العنکبوت: ۲۰؛ الأنعام: ۱۱). به همین سبب است که خداوند متعال پس از بیان سرگذشت اقوام، مخاطب را به علل شقاوت و خوشبختی آنان سوق می‌دهد (آل‌عمران: ۴۱؛ الأعراف: ۴۵؛ الک‌هف: ۲۴؛ مریم: ۱۶، ۴۱، ۵۱، ۵۴، ۵۶؛ الأحقاف: ۲۲). برخی از مفسران معتقدند، استفاده‌ی قرآن از عبارت «وَأذْكَرُ» (آل‌عمران: ۴۱)، در مواردی که به بیان حوادث عبرت‌آموز می‌پردازد، ناظر به همین روش تربیتی کنایی است (ابن‌عبدالسلام، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۸۶).

۳-۴- روش‌های تربیتی اصلاحی

تربیت اصلاحی اغلب برای تربیت آن دسته از متربیانی است که به هر علت، تربیت صحیح نداشته‌اند و مربی برای اصلاح و تغییر در صفات و رفتار ناپسند آنان در ساحت‌های اجتماعی، عبادی، اعتقادی و سیاسی فعالیت می‌کند. روش‌های تربیتی در عرصه‌ی اصلاح متربی در سه محور عاطفی، شناختی و رفتاری قابل‌بررسی است. مراد از روش‌های تربیتی عاطفی شیوه‌هایی است که مربی برای تحت تأثیر قرار دادن عاطفه برای اصلاح اندیشه و اخلاق و رفتار متربی به کار می‌گیرد. برخی از این روش‌ها در آموزه‌های دینی عبارت‌اند از: مهرورزی و محبت، موعظه، تشویق و ترغیب، ایجاد خوف و رجا، توجه دادن به نعمت‌ها، عذرپذیری، توجه دادن به عوامل معنوی بازدارنده از گناه، برانگیختن احساسات و عواطف، توجه دادن به عواقب دنیوی و اخروی امور و تکریم شخصیت که از نظر عاطفی می‌توانند در اصلاح تربیت و رفتار متربی مؤثر باشند (همت بناری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۵۵-۲۳). برخی از روش‌های تربیتی شناختی نیز عبارت‌اند از: تفهیم خطا، حکمت‌آموزی و برهان، ارجاع به فطرت، جهل‌زدایی، دعوت به تفکر و تعقل، تمثیل و تشبیه، تصویرسازی، تغییر باورهای نادرست و خرافه‌زدایی که در زمینه‌ی اصلاح شناخت و نگرش به کار گرفته می‌شوند (امینی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۸-۱۰۱). منظور از روش‌های رفتاری نیز هر نحوه‌ی اقدام و عمل است که برای اصلاح و تغییر رفتار افراد خطاکار انجام شود، اعم از اینکه خود مربی اقدام‌کننده یا وادارکننده‌ی متربی به اقدام باشد. بعضی از آن‌ها عبارت‌اند از: الگودهی، تغییر و اصلاح عادات، دعوت به توبه، دعا و توسل، تلقین، رفق و مدارا، تغافل، عفو، تهدید، برخورد قاطعانه و تنبیه بدنی. این روش‌ها که هر یک حاکی از یک رفتار هستند، می‌توانند در اصلاح تربیت متربی مؤثر باشند (همت بناری و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱۸۴-۱۵۱).

۵- روش‌های تربیت الهی حضرت نوح^(ع)

نام حضرت نوح^(ع) ۴۳ مرتبه در ۲۱ سوره از قرآن آمده و عنوان یک سوره‌ی کامل را نیز به خود اختصاص داده است. علاوه بر سوره‌ی نوح، عمده‌ی داستان در آیات ۵۹ تا ۶۹ سوره‌ی اعراف، آیات ۲۵ تا ۴۹ سوره‌ی هود، آیات ۲۳ تا ۳۰ سوره‌ی شعرا، آیات ۱۰۵ تا ۱۲۲ سوره‌ی مؤمنون و آیات ۹ تا ۱۷ سوره‌ی قمر آمده است. آنچه پژوهش حاضر در پی آن است، بررسی و استقرای کامل آیات مربوط به داستان حضرت نوح^(ع) و تبیین روش‌هایی است که خداوند برای تعالی و تکامل روحی حضرت به کار برده و او را برای تبلیغ شریعت و مواجهه با قوم لجوج و عنودش آماده نموده است.

۱-۵- محبت‌ورزی و تکریم

یکی از روش‌های تربیت پیامبران از سوی خداوند محبت‌ورزی خاص به آنان است. تسکین بخشیدن به نوح^(ع) از سوی خداوند به سبب تعداد اندک ایمان‌آوردگان به وی، باقی ماندن نسل او در زمین، شهره‌ی عالم شدن نوح^(ع) از سوی خداوند، نجات وی و کسانش از اندوه فراوان، نشان‌دهنده‌ی محبت ویژه‌ی خداوند به ایشان است. از دیدگاه علامه طباطبایی، جمله‌ی «وَمِمَّنْ

حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ» (مریم: ۵۸)، عطف بر جمله‌ی «مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ» است که مراد از آنان، افرادی است که در کشتی با نوح بودند و ذریه‌ی آنان که خداوند در ذریه‌شان برکت نهاد و به حکم آیه‌ی «وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ» (الصافات: ۷۷)، نسل خود نوح بودند. ذیل آیه‌ی ۷۷ صافات، روایتی از امام صادق^(ع) نقل شده که مراد از «الْبَاقِينَ» را نبوت، حقانیت، کتاب و ایمان در عقبه‌ی نوح می‌داند و اشاره دارد که از بنی‌آدم جز نوح و تعداد کمی از پیروان و خانواده‌اش در زمین نماند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۳۱۰). نتیجه‌ی این محبت‌ورزی ویژه به نوح، اعطای نعمت و قرار دادن برکت در ذریه‌ی نوح^(ع) است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۷۵)؛ همچنین آیات «وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ» (الصافات: ۷۵) و «سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ» (همان، ص ۷۹)، دال بر کمال عنایت به ندای نوح^(ع) و اجابت حق تعالی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۲۱۹). اجابت درخواست حضرت نوح^(ع) و نجات قوم او از هلاکت (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۲۱۸)، ابلاغ سلام بر نوح و در نتیجه، سعادت و برکت در وی و نسلش در میان جهانیان (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۱۴۴) که تا آن زمان نظیری در میان انبیا هم نداشت، نشانه‌ی تکریم ویژه و محبت‌ورزی خاص خداوند به حضرت نوح^(ع) است (حافظ برسی، ۱۴۲۲، ص ۱۶۵؛ طبری آملی، ۱۴۱۵، ص ۵۹۸).

از مصادیق تکریم ویژه‌ی خداوند نسبت به حضرت نوح^(ع) توصیف وی به صفاتی خاص همچون «عبد» (الاسراء: ۳؛ التحریم: ۱۰؛ القمر: ۹)، «شکور» (الاسراء: ۳)، «صالح» (التحریم: ۱۰) و «مصطفی و برگزیده‌ی الهی» (آل‌عمران: ۳۳) است.

توصیف به «عبد» و «شکور» بودن دال بر خصوصیت سپاس‌گزاری همیشگی نوح بر همه‌ی نعمات و حالات ذکر کرده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۴۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۱۲؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۱۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۴۸). امام باقر^(ع) علت اعطای این صفات را به سبب عبادت فراوان حضرت نوح در هر صبح، ظهر و شام می‌داند و بیان می‌دارد که او هرروزه به سبب عافیت و نعمت‌ها، فراوان شکرگزاری خداوند را به جای می‌آورد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۳۵). در آموزه‌های روایی، عابد و شاکر بودن حقیقت‌والایی است که خواص از بندگان به آن مزین می‌شوند. بنا بر آیات و روایات، چنانچه فردی شاکر خداوند باشد، وی در حال بندگی خداوند است و جزایش را خواهد دید (الاسراء: ۱۹؛ الانسان: ۲۲). امام علی^(ع) داشتن ایمانی محکم (سید رضی، ۱۳۴۴، ج ۳۲۵)، تقوا (همان، خ ۱۸۴)، مایه‌ی ابتلا و آزمایش (همان، خ ۹۰) و زیوری برای توانگران (همان، ج ۳۳۳) را از نشانه‌های بندگان شاکر برشمرده‌اند. امام صادق^(ع) نیز شکر را از لشکریان عقل برشمرده است (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۷)؛ بنابراین، توصیف نوح^(ع) به این اوصاف که حاکی از کثرت عبادت و شکرگزاری از نعمت‌هاست، نوعی تأدییب و ستایش نوح است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۴). صاحب مناقب در تأیید این مطلب، طی روایتی در پی بیان مقامات انبیای الهی برآمده و نوح را شکرگزار نامبردار کرده است که می‌توان گفت، این نام‌گذاری از جانب خداوند با توجه به مقام عالی نوح است (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۳۰)؛ همچنین سوره‌ای در قرآن به نام نوح نیز همسو با اهمیت داستان وی و شاید تجلیل از جایگاه والای او است؛ از این‌رو، می‌توان گفت، یکی از روش‌های تربیت و تعالی نوح^(ع) مطابق آیات قرآن، تکریم شخصیت ایشان و محبت‌ورزی خاص خداوند

نسبت به او بوده است.

۵-۲- موعظه و تنبیه

روش موعظه یکی دیگر از روش‌های تأدیبی است (جرجانی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۴؛ دهقان، ۱۳۷۹، ص ۵۶؛ خسروپناه، ۱۳۸۲، ص ۳۶۷). مطابق آیات و روایات، خداوند برای تربیت نوح از این روش استفاده کرده است. مطابق آیهی «وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ»، نوح از خداوند متعال به‌نوعی پرسش می‌کند که چرا فرزندش را از عذاب نجات نداده است؛ زیرا خداوند متعال از قبل وعده‌ی نجات داده بود (هود: ۴۵) و حال عکس آن به وقوع پیوسته است. خداوند متعال در آیه‌ی بعد، پاسخ حضرت نوح^(ع) را این‌طور می‌دهد: «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (هود: ۴۶)؛ او پسر تو نیست و از جاهلان است. نحوه‌ی تربیت الهی حضرت نوح^(ع) در آیه را می‌توان آموزش صحیح درخواست بنده از خداوند به همراه موعظه از جانب خداوند بیان کرد؛ زیرا نوح در قالب پند و اندرز می‌آموزد که چگونه درخواستش را بیان کند. در این‌باره صاحب المیزان معتقد است، آیه‌ی ۴۵ سوره‌ی هود بیان‌کننده‌ی درخواستی است که حضرت نوح^(ع) از پسرش می‌کند تا بر کشتی سوار شود؛ اما او سرپیچی می‌نماید. نکته‌ی تربیتی این آیه را می‌توان دلسوزی و ترحم تا آخرین لحظه نسبت به متربی دانست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۲۳۲). فراز «إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي» (هود: ۴۵) و «إِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ» (همان)، دو جمله‌ای است که به یکدیگر ضمیمه شده‌اند و این‌طور نتیجه گرفته می‌شود که باید پسر نوح^(ع) نجات یابد. درنهایت، خود نوح^(ع) این نوع نتیجه را بیان نکرده است تا در رابطه با مقام ربوبی خداوند، ادای احترام کرده باشد؛ زیرا هیچ‌کس جز خداوند صاحب عالم و قضا و قدرش نیست (همان، ص ۲۳۳).

علامه دربارهی آیه‌ی ۴۶ سوره‌ی هود بیان می‌دارد، حضرت نوح منشأ نور و هدایت الهی است، چطور ممکن است پیامبری اولوالعزم از خداوند متعال درخواست نجات فرزندش را کند، در صورتی‌که وی از ستمکاران باشد؟ با توجه به نظر علامه، این درخواست در قالب استفسار از خداوند متعال و به‌صورت ادبی بیان‌شده است (همان). نکته‌ی تربیتی را می‌توان رعایت ادب و وزانت کلام هنگام درخواست از خداوند متعال دانست. به باور یکی از مفسران، پسر نوح را جزو اهلیت وی نمی‌داند، بلکه او را فردی کافر و قطع‌شده‌ی عصمت در وی معرفی می‌کند که هیچ اتصال ایمانی‌ای میان پدر و فرزند وجود ندارد (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۴۳۶). در منابع روایی نیز این‌طور بیان‌شده است که در داستان حضرت نوح^(ع)، فرزند ایشان مرتکب فعل ناصوابی می‌گردد و پدرش از خداوند متعال درخواست نجات او را می‌کند که با پاسخ تندی از سوی خداوند مواجه شده است. خداوند تعالی در پاسخ درخواست وی، یادآور شأن ولای نبوت می‌شود و او را متذکر این جایگاه می‌سازد و می‌فرماید: شما انبیای رفیع‌الشان نباید مانند آن طایفه‌ی وخیم‌العاقبه را اهل خود بدانید. منظور از این طایفه همان جریان باطل مقابل حضرت نوح^(ع) است که فرزند نیز در گروه آنان قرار می‌گیرد (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۱۲). این گفتگو میان خداوند و حضرت نوح^(ع)

درحقیقت نوعی تربیت الهی حضرت نوح است که خداوند ضمن اوامر و نواهی در امر تبلیغ، او را آن‌گونه که می‌خواهد، تربیت می‌کند و او را در مسیر و مراتب کمال هدایت می‌نماید.

از دیدگاه علامه طباطبایی، خداوند متعال مسیر صحیح درخواست را به نوح^(ع) می‌آموزد تا استدلال قبلی‌اش را که نجات فرزندش بود، بی‌اثر کرده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۲۳۴). عبارت «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرٌ صَالِحٍ» (هود: ۴۶) بیان می‌دارد که درخواست نوح^(ع) عملی غیرشایسته و ناپسند است؛ زیرا اصرار بر درخواست چیزی است که خودش از اصل موضوع آگاهی کامل ندارد. برخی معتقدند، این جمله را می‌توان سرزنش نوح^(ع) از سوی خداوند دانست (حرانی، ۱۳۸۱، ص ۴۰۲)؛ اما علامه این قول تفسیری را سخیف می‌داند و معتقد است، نکته‌ی تربیتی گفتگوی خداوند و حضرت نوح این است که هر نوع اصرار بر امر ناشایستی، آن هم بدون اطلاع از سوی مرتبی، می‌بایست با مقابله‌ی مری مواجه شود تا مرتبی حسن و قبح را دریابد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۲۳۵). صاحب کتاب الهدایه در معنای این فراز می‌نویسد: این بخش یعنی آیا خداوند فردی را نجات دهد که غیرصالح و غوطه‌ور در شرک است؟ (ابن‌حموش، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۳۴۰۴). مؤلف روض‌الجنان در تفسیر «فَلَا تَسْأَلُنَّ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (هود: ۴۶) می‌گوید، خداوند به نوح گفت که آن چیزی را که نمی‌داند، نباید درخواست کند و ادامه می‌دهد، خداوند او را پند داد تا در زمره‌ی جاهلان قرار نگیرد (رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۲۷۶). جمله‌ی «إِنِّي أَعْطُكَ» (همان) بر این نکته اشاره دارد که نوح از خداوند درخواست نجات فرزندش را کرد، در صورتی که خداوند متعال به او نوعی هشدار می‌دهد که زین پس، بدون شناخت و دانستن مسئله درخواستی نکنی؛ زیرا ممکن است متصف به جهل شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۲۳۷). مفسر ارجمند در کتاب الهدایه، با صراحت تمام «إِنِّي أَعْطُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (هود: ۴۶) را تنبیه همراه با نصیحت و موعظه‌ی نوح از سوی خداوند متعال می‌داند (ابن‌حموش، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۳۴۰۶). امام رضا^(ع) طی روایتی، وراثت نبوت و کتاب را در هدایت‌یافتگان و نه فاسقان می‌داند و در ذیل آیه‌ی شریفه مورد بحث تأکید می‌کند که خداوند عترت را از سایر افراد فضیلت داده است (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۲۷)؛ بنابراین، همان‌گونه که گذشت، خداوند برای تربیت الهی نوح و تکامل نفسانی وی، موعظه را با تنبیه درآمیخته است.

نوح^(ع) از سوی قوم خود تکذیب شد و به او نسبت‌های ناروایی دادند و به‌نوعی او را ترور شخصیتی کردند. سنگینی بار رسالت و شریعت مستقل برای اولین بار، استکبار، سرکشی، عناد و سرسختی قومش و نیز تکذیب سالت او (آل‌عمران: ۳۳؛ الأنعام: ۸۴)، شکیبایی در رسالتی بیش از هزار ساله (نوح: ۵ - ۹؛ الشعراء: ۱۱۶)، تحمل تمسخر قومش نسبت به او و پیروانش (العنکبوت: ۱۴؛ نوح: ۵ - ۹؛ الشعراء: ۱۱۶)، توهین و تحقیر ایمان آورندگان به او از سوی قومش (هود: ۳۸)، گمراهی و هلاکت فرزند (همان: ۲۷ - ۳۰)، کفر همسرش و همکاری وی با کفار و خیانت و سنگ‌اندازی وی در تبلیغ رسالت (المؤمنون: ۲۷؛ هود: ۴۳ - ۴۷) و نسبت دیوانه، مجنون و برتری‌جو (المؤمنون: ۲۳ - ۲۵؛ القمر: ۹) برخی از مصائب حضرت و به‌نوعی ابتلای وی از سوی خداوند محسوب می‌شود. در حقیقت، خاصیت ابتلا رشد آدمی است و خداوند نیز به‌دنبال همین است؛ بنابراین، در ابتلا

نوعی سختی و رنجش وجود دارد که می‌توان آن را مثبت و منفی معنا کرد. جنبه‌ی مثبت ابتلا رشد و استقامت فرد و جنبه‌ی منفی‌اش تنبیه و مجازات است. گویی خداوند متعال در این آیه، با ابتلای نوح به تکذیب قومش، در پی تربیت نوح برای رشد و تعالی‌اش از دل تحمل تهمت‌ها است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۳۳). مؤلف الدرالمنتور اوج ابتلا به سختی نوح را در این آیه بیان کرده است که قومش او را به دیوانگی و قتل (المؤمنون: ۲۳ - ۲۵؛ القمر: ۹) تهدید کردند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۳۴). در آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی نوح، وی از بزرگان قوم نزد خداوند شکوه می‌کند و می‌خواهد بفهماند که آنان در پی تدارک شورش علیه وی هستند.

درماندگی نوح را می‌توان از دعای وی به درگاه خداوند دریافت کرد که پس از شنیدن این عبارات و تحمل مشقت‌های فراوان، از خداوند درخواست یاری می‌کند و خود را بنده‌ای مغلوب معرفی می‌نماید (القمر: ۱۰). بحرانی در کتاب خود ذیل روایتی، تکذیب و انتساب صفات ناپجا به نوح را آزار و اذیت قومش می‌داند، همچنان که قصد داشتند، او را نیز رجم کنند (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۱۹).

نکته‌ی تربیتی قابل‌توجه دیگر در آیه‌ی ۴۷ سوره‌ی نوح^(ع) است: «قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنُ مِنَ الْخَاسِرِينَ». مطابق این آیه، متربی در برابر مربی که خیرخواه اوست، همواره متواضع و فروتن است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۲۳۸). زمخشری منظور نوح از «أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ» (نوح: ۴۷) را درخواست ادب از خداوند برای تأدیب و موعظه برای اتعاض خود بیان کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۰۰) که همان روش تربیتی موعظه است. فراز «وَأِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي» (همان)، کلامی از سوی نوح^(ع) در قالب توبه از درگاه خداوند منان است؛ اما درواقع، شکر نعمت برای آموزش و تأدیبی از اعطای خداوند به وی است. فحوای تربیتی، پی بردن اشتباهات متربی از سوی وی و عرضه و چشم‌پوشی مربی است تا بتواند کاستی‌های خود را بپیراید و در مدارج کمالیه گام بردارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۲۳۸) و جمله‌ی «أَكُنُ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (همان)، به نعمت پوشاندگی خداوند اشاره دارد که در صورت نبود آن، موجب سلب امید، آرامش و سعادت از انسان می‌شود. نکته‌ی تربیتی این فراز امیدآفرینی مربی برای متربی در صورت مشاهده‌ی خطا است (همان، ص ۲۳۸).

۳-۵- تشویق

توجه در آیات داستان نوح^(ع) نشان می‌دهد، خداوند سبحان در پی استوارسازی روحیه و اعطای اعتمادبه‌نفس به پیغمبر خود است. درواقع، این امر همان روش تربیتی تشویق است که حضرت حق در مسیر تربیت خود برای نوح در اوج ظرافت به‌کاربرده است. در قرآن مجید، خداوند از پیامبران و حضرت نوح^(ع) پیمان گرفته است تا آیات الهی را برای مردم تبیین کنند و هرگز آن را کتمان ننمایند (الأحزاب: ۷). بدین ترتیب، خداوند هم از پیامبران پیمان مؤکد گرفته است که مردم را به توحید، آئین حق و ادیان آسمانی دعوت کنند و هم از علمای اهل کتاب که آنان نیز تا آنجا که در توان دارند، در تبیین دین الهی بکوشند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۹)؛ درنتیجه، یکی از روش

تربیتی را می‌توان اخذ قول و پیمان مستحکم در مسیر ترتیب دانست، به‌نوعی که متربی متعهد می‌شود که در این مسیر ناامید و فرتوت نگردد و تا آخرین لحظه بر عهد خود بماند. خداوند منان در فراز «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ» (الأحزاب: ۷)، نام پنج تن از پیامبران را مجزا ذکر کرده که یکی از آنان نوح^(ع) است. علت تخصیص اسامی تنها به سبب تعظیم، تکریم و احترام به ایشان است؛ بنابراین، یکی از روش تربیتی ذکر نام فرد به‌صورت مجزا است تا موجب نشان دادن حسن نیت مربی، قوت دل‌مربی و تکریم مقام آن فرد شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۲۷۸) و البته همه این موارد را می‌توان نوعی تشویق پیامبران و ازجمله حضرت نوح^(ع) در امر تبلیغ دانست. مؤلف تفسیر القمی و دیگران ذیل «وَمِنْكُمْ وَ مِنْ نُوحٍ»، نوح را اولین فردی می‌دانند که خداوند از وی میثاق گرفته است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۷۶؛ حلی، ۱۴۲۱، ص ۵۲۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۶۸) که همگان آن را نوعی فضیلت برای نوح دانسته‌اند. این بخش را می‌توان بر تجلیل و اکرام وی از سوی خداوند منطبق دانست؛ یعنی خداوند با تکریم نوح، در پی تربیت اوست (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴۰۷). قتاده نیز در روایتی، مراد از میثاق را تصدیق و تبعیت پیامبران نسبت به یکدیگر می‌داند (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۳۱۱۶) که خداوند از این راه، پیامبران خود را به وفاداری نسبت به یکدیگر تشویق و به اخلاص و عبادت امر می‌کند (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۱۹).

۴-۵- پشتیبانی همه‌جانبه با امدادهای غیبی

پیامبران الهی همواره مورد امدادهای غیبی خداوند هستند. حضرت نوح^(ع) ازجمله‌ی این پیامبران است که مورد امداد غیبی ویژه خداوند قرار گرفتند. آیه‌ی ۷۱ سوره‌ی یونس بیان‌کننده‌ی این لطف خداوند به وی و تربیت او در میسر تکامل است: «إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرَكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ». دراین آیه، آنگاه‌که نوح^(ع) عرصه را بر خود سخت می‌بیند و قومش او را نمی‌پذیرند، بر خداوند توکل می‌کند و آنان را دعوت می‌نماید که با همه‌ی نیروهایشان، هر کاری که در توان دارند، انجام دهند. این گفتمان نشان می‌دهد، او به پشتیبانی و امداد غیبی خداوند معتقد است و یقین دارد که مورد حمایت اوست. گویی خداوند متعال با اعطای دلگرمی و تشویق به امیدواری فراوان، نوح^(ع) را در مسیر هدایتی خود و عامه‌ی مردم صیانت می‌کند، چنان حمایتی که نوح^(ع) با نهایت دلگرمی و بدون هیچ ترس و واهمه‌ای، آنان را خطاب قرار می‌دهد که هر کاری در توان دارید، انجام دهید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۱۰۲). درواقع، می‌توان گفت که نوح سرشار از اطمینان به خداوند بود و اعلام صفت توکل به قوم بت‌پرست خود از حیث اظهار فضیلت روانی، موعظه و دعوت مردم به آیین توحیدی بوده است و حاوی این پیام است که هرکه اموراتش را به خدا واگذار کند، از خطر و تهدید در امان خواهد بود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۲۷۷). عبارت «فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ» (یونس: ۷۱)، از معجزات سخنان حضرت نوح^(ع) به‌شمار می‌آید که علی‌رغم تهدیدات فراوان، از عمل خویش منصرف نشد و ادامه‌ی مسیر را به خداوند متعال واگذار کرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۸۷).

۵-۵- بیان حوادث عبرت آموز

روش بیان حوادث عبرت آموز آخرین روش تربیتی است که خداوند برای تأدیب نوح به کار برده است. تاریخ از جمله مصادری است که اگر یک قوم آن را نداند، محکوم به عقب‌گرد خواهد بود. تاریخ و اخبار اقوام گذشته بسیار اهمیت دارد و اگر شخصی از آن عبرت نگیرد، توبیخ می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۴۶۲). در آیه‌ی مبارکه‌ی «الْمَ یَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَهُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِیمَ وَأَصْحَابِ مَدِینَ وَالْمُؤْتَفِکَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَیِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لَیظْلِمَهُمْ وَلَکِنَّ کَانُوا أَنفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ» (التوبه: ۷۰)، خداوند متعال درصدد گوشزد کردن اخبار گذشتگان به پیامبر اکرم (ص) و انتقال آن به قوم وی است. در این آیه، از قوم نوح به‌عنوان اولین قوم یادشده و سپس نام چندین قوم و پیغمبر را آورده است. از این بخش برداشت می‌شود که بیان تاریخ گذشتگان در منظومه‌ی آیات قرآنی، از جایگاه والایی برخوردار است (الروم: ۹؛ آل‌عمران: ۱۳۷). با در نظر گرفتن اهمیت مطلب، مراد خداوند از «قَوْمِ نُوحٍ» (التوبه: ۷۰)، بیان چگونگی و کیفیت غرق شدن تکذیب‌کنندگان در طوفان و منظور از «عَادٍ» بیان نحوه‌ی هلاکتشان به‌واسطه‌ی باد است. گویی خداوند با یادآوری حوادث پیشین، در پی توجه، تنبه و به‌نوعی تأدیب اقوام و رسولان است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۵۶)؛ بنابراین، بیان حوادث عبرت آموز گذشتگان موجب اطلاع و تربیت آنان خواهد شد، به‌طوری‌که به‌همه‌ی زوایای دنیوی و اخروی حیاتشان آگاه می‌شوند و از این راه، آیندگان خود را مطلع و تأدیب خواهند کرد. یکی از علل سقوط امت‌ها و جوامع را باید نداشتن تربیت صحیح و آگاهی از گذشته دانست. صاحب تفسیر نمونه در بیان عاقبت قوم‌های نامبرده در آیه می‌نویسد: «این حوادث ماجراهایی تکان‌دهنده است که مطالعه و بررسی آن، هر انسانی را که کمترین احساس در قلب او باشد، تکان می‌دهد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۲۷).

۶- نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان‌شده در پژوهش، نکات و نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. حضرت نوح (ع) معروف به شیخ الانبیاء، تحت تربیت خاص خداوند، از نوادگان حضرت ادريس (ع) و اولین پیامبر پس از ایشان، با عمری بسیار طولانی و بیش از دو هزار سال با قومی لجوج و سرسخت بود.
۲. تحلیل آیات تربیتی قرآن نشان می‌دهد، روش‌های تربیتی صریح، کنایی و اصلاحی سه روش اصلی و کلی قرآن است. در روش تربیتی صریح، اظهارنظر صریح میان مربی و متربی، ارتباط کلامی وسیع در قالب‌های گرم و صمیمی اما خردمندانه، نام بردن از شخصیت‌ها و الگوهای اعتقادی و رفتاری برقرار است، درحالی‌که در روش کنایی، مربی به‌صورت غیرمستقیم آموزه‌های تربیتی را به متربی منتقل می‌کند. مسائل تربیتی در آیات مربوط به امور جنسی در قرآن بیشتر از این طریق منتقل می‌شوند. در روش تربیتی اصلاحی نیز، مربی برای اصلاح و تغییر در صفات و رفتار ناپسند متربی در ساحت‌های مختلف فردی و اجتماعی و در محور عاطفی، شناختی و رفتاری به تربیت

می‌پردازد.

۳. مهم‌ترین روش‌های تربیتی الهی حضرت نوح که در آیات قرآن بیشترین تجلی دارند؛ عبارت‌اند از: محبت‌ورزی و تکریم، موعظه و تنبیه، تشویق، پشتیبانی همه‌جانبه با امدادهای غیبی و بیان حوادث عبرت‌آموز.

۴. این روش‌ها برای تسکین بخشیدن به نوح^(ع) از سوی خداوند به سبب تعداد اندک ایمان‌آوردگان به وی، نجات وی و کسانش از اندوه فراوان، اعطای نعمت و قرار دادن برکت در ذریه نوح^(ع)، اجابت درخواست حضرت نوح^(ع) و نجات قوم او از هلاکت، ابلاغ سلام بر نوح و در نتیجه، سعادت و برکت در وی و نسلش در میان جهانیان نشانه‌ی تکریم ویژه و محبت‌ورزی خاص خداوند به حضرت نوح^(ع) بوده است.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی محمد مهدی فولادوند؛ تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
- ابن عبدالسلام، عبدالعزيز؛ تفسیر العزین عبدالسلام؛ بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۱۶ ق.
- ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۹ ق.
- ابن قتیبه دینوری، ابی محمد عبدالله بن مسلم؛ المعارف؛ مصر: دارالمعارف، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد؛ تفسیر القرآن العظیم؛ ریاض: کتابخانه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ ق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی؛ مناقب آل ابی طالب^(ع)؛ قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
- ابن کثیر، اسماعیل؛ قصص الانبیاء؛ مکه مکرمه: مکتبه الطالب الجامعی، ۱۴۰۷ ق.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۸ ق.
- اسمعیلی صدرآبادی، مهدی و همکاران؛ «نقش زبان کنایه‌ی قرآن در تربیت جنسی»؛ سراج منیر، شماره‌ی ۱۴، ۱۴۰۲ ش.
- امینی، محمد؛ «روش‌های شناختی در تربیت اصلاحی از دیدگاه احادیث»؛ پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی، شماره‌ی ۹، ۱۳۹۷ ش.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ قم: بعثت، ۱۳۷۴ ش.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ المحاسن؛ قم: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ قم: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- توسلی، طیبه؛ «تربیت دینی، تربیت زمینه‌ساز، تربیت سکولار»؛ مشرق موعود؛ شماره‌ی ۲۶، ۱۳۹۲ ش.
- جرجانی، علی بن محمد؛ التعریفات؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۰ ش.
- حافظ، شمس‌الدین محمد؛ دیوان؛ با مجموعه حواشی و تعلیقات علامه محمد قزوینی؛ به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار؛ تهران: اساطیر، ۱۳۷۴ ش.
- حافظ برسی، رجب بن محمد؛ مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمیرالمؤمنین^(ع)؛ بیروت: علمی، ۱۴۲۲ ق.
- حسینی نسب، سید داود و همکاران؛ فرهنگ واژه‌ها، تعاریف و اصطلاحات تعلیم و تربیت؛ تبریز: احرار، ۱۳۷۶ ش.
- حسینی همدانی، محمد؛ انوار درخشان در تفسیر قرآن؛ تهران: لطیفی، ۱۴۰۴ ق.
- حلی، حسن بن سلیمان بن محمد؛ مختصر البصائر؛ قم: اسلامی، ۱۴۲۱ ق.
- خسروپناه، عبدالحسین؛ گستره شریعت؛ قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲ ش.
- خلف تبریزی، محمد حسین؛ برهان قاطع؛ به اهتمام محمد معین؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶ ش.
- دلشاد تهرانی، مصطفی؛ سیری در تربیت اسلامی؛ موسسه نشر و تحقیقات ذکر، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
- دهقان، اکبر؛ راه رشد؛ تحلیلی بر روش‌های تربیت نفس و اهداف آن در فرهنگ وحی؛ قم: مرکز

فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۹ ش

- دیلمی، حسن‌بن‌محمد؛ إرشاد القلوب إلى الصواب؛ قم: شریف‌رضی، ۱۴۱۲ ق.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
- زرکش، غلامحسین؛ روش‌ها و فنون تدریس؛ دانشگاه تربیت معلّم، بی‌تا.
- سعدی، مصلح‌الدین؛ کلیات سعدی؛ تهران: زوار، ۱۳۸۲ ش.
- سمرقندی، نصر‌بن‌محمد؛ تفسیرالسمرقندی المسمی بحرالعلوم؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ ق.
- سید رضی، محمدبن‌حسین، نهج‌البلاغه، مصحح: صبحی صالح؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- شریفی، احمدحسین؛ روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی؛ تهران: مرکز مطالعات و انتشارات آفتاب توسعه، ۱۳۹۵ ش.
- شریعتمداری، علی؛ تعلیم و تربیت اسلامی؛ قم: افق، ۱۳۷۷ ش.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر؛ فرهنگ علوم رفتاری؛ تهران: امیرکبیر، سپهر، ۱۳۷۵ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسه‌العلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
- طبرانی، سلیمان‌بن‌احمد؛ تفسیرالقرآن العظیم؛ اردن: دارالکتاب الثقافی، ۲۰۰۸ م.
- طبرسی، احمدبن‌علی؛ الإحتجاج علی أهل اللجاج؛ مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
- طبرسی، فضل‌بن‌حسن؛ مجمع‌البیان لعلوم القرآن؛ تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
- طبری، محمدبن‌جریر؛ المسترشد فی إمامة علی بن أبی‌طالب^(ع)؛ قم: کوشانیور، ۱۴۱۵ ق.
- _____؛ جامع‌البیان فی تفسیرالقرآن؛ بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ ق.
- طوسی، خواجه نصیرالدین؛ اخلاق ناصری؛ تهران: علمیه اسلامی، بی‌تا.
- طوسی، محمدبن‌حسن؛ الأمالی؛ قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
- _____؛ التبیان فی تفسیرالقرآن؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.
- غزالی، محمد؛ احياء علوم‌الدین؛ بیروت: دارالقلم، بی‌تا.
- غزالی، محمد؛ مکاتیب فارسی غزالی؛ مصحح: عباس اقبال؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
- فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد؛ العین؛ قم: اسوه، ۱۴۱۴ ق.
- فیض‌کاشانی، محمدبن‌شاه مرتضی؛ تفسیرالصافی؛ تهران: مکتبه‌الصدر، ۱۴۱۵ ق.
- قرائتی، محسن؛ تفسیرنور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
- قشیری، عبدالکریم؛ ترجمه‌ی رساله قشیریه؛ مصحح: بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بی‌تا.
- قطب‌الدین راوندی، سعیدبن‌هبة‌الله؛ قصص الأنبياء^(ع)؛ مشهد: مرکز پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
- قمی، علی‌بن‌ابراهیم؛ تفسیرالقمی؛ قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
- کاشانی، ملأ فتح‌الله؛ زبدة التّفاسير؛ مؤسسه‌المعارف الإسلامیة، بی‌تا.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- کیکاووس‌بن‌اسکندر؛ قابوس‌نامه؛ مصحح: غلامحسین یوسفی؛ تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.

- مازندرانی، ابن شهر آشوب؛ مناقب آل‌ابی‌طالب^(ع)؛ قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
- مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۷ ق.
- مسعودی، عبدالحسین بن علی؛ أخبار الزمان؛ بیروت: دار الأندلس، ۱۳۸۶ ق.
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ اخلاق در قرآن؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۸۵ ش.
- مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ تهران: صدرا، ۱۴۳۹ ق.
- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل؛ قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب^(ع)، ۱۳۷۹ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ ش.
- مکی بن حموش؛ الهدایة إلى بلوغ النهایة؛ امارات: جامعة الشارقة، کلیة الدراسات العلیا و البحث العلمی، ۱۴۲۹ ق.
- مولوی، جلال‌الدین؛ مثنوی معنوی؛ تصحیح و تعلیقات محمد استعلامی؛ تهران: زوار، ۱۳۷۲ ش.
- نقیب‌زاده، عبدالحسین؛ نگاهی به فلسفه‌ی آموزش و پرورش؛ تهران: طهوری، ۱۳۷۵ ش.
- واسطی، عبدالحمید؛ راهنمای تحقیق؛ قم: دارلعلم، ۱۳۸۲ ش.
- همت بناری، علی و امینی، محمد؛ «روش‌های رفتاری در تربیت اصلاحی از دیدگاه احادیث»؛ پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی، شماره ۲۰، ۱۴۰۳ ش.
- _____؛ «روش‌های عاطفی در تربیت اصلاحی از دیدگاه احادیث»؛ پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی، شماره ۱۳، ۱۳۹۹ ش.